**باسمه تعالی خارج فقه جلسه 22 - وجود مندوحه در تقیه – 10/08/1401**

**موضوع: ( مسح پا - روایات دال بر وجود مندوحه در تقیه - اشکالات به روایات )**

**دلیل سوم بر مشروعیت تقیه بشرط وجود مندوحه دلالت برخی از روایات خاص است:**

**روایت اول: خبر ابراهیم بن شیبه است، متن روایت: وعنه، عن أحمد بن محمد بن أبي نصر، عن إبراهيم بن شيبة قال: كتبت إلى أبي جعفر الثاني ( امام جواد علیه السلام ) عليه السلام أسأله عن الصلاة خلف من يتولي أمير المؤمنين عليه السلام وهو يرى المسح على الخفين، أو خلف من يحرم المسح وهو يمسح، فكتب عليه السلام إن جامعك وإياهم موضع فلم تجد بدا من الصلاة فأذن لنفسك وأقم، فان سبقك إلى القراءة فسبح.[[1]](#footnote-1) که نوشتم به حضرت که پشت سر یکی از مریدان آقا امیرالمومنین علیه السلام نماز می­خوانم درحالی که ایشان بر روی کفش مسح می­کشد یا پشت سر کسی که مسح را حرام می­داند و شستن را واجب می­داند اما خودش مسح می­کشد حضرت نوشتند که اگر در یک مکانی جماعتی برقرار شد و چاره ای به جز نماز با آنها را نداری برای خودت اذان واقامه بگو و در قرائت آنها تسبیح بگو، این حدیث دلالت دارد بر اینکه نماز خواندن پشت سر این افراد فوق در صورتی که چاره­ای نباشد یعنی مندوحه­ای نباشد جایز است پس این روایت خاص به مندوحه است.**

**اما سه اشکال به حدیث فوق :**

**اولاً: سند روایت ضعیف است چون ابراهیم ابن شیبه توثیق ندارد مرحوم محقق همدانی ره[[2]](#footnote-2) توجیه کرده که این آقا ابراهیم ابن هاشم است که توثیق دارد ولی مرحوم اقای خویی[[3]](#footnote-3) جواب داده که سهو قلم بوده است و این همان ابراهیم بن شیبه است در هر صورت چون راوی برای ما مجهول است سند ضعیف است. ثانیاً: این روایت ربطی به بحث ما ندارد چون محل بحث نماز با عامه است اما این آقا از مریدان امیرالمومنین علیه السلام است منتهی در یک جا در مسح بر پا تبعیت کرده است و شاید به این امام جماعت احکام نماز کامل نرسیده است و شاید در جایی بوده که ضرورت و تقیه داشته است.**

**ثالثاً: بر فرض قبول سند، دلالت سند مخدوش است چون معارض دارد و آن روایاتی است که شیعیان را ترغیب می­کند که در نماز عامه حتی در صف اول شرکت کنید و آن روایات مطلق است چه مندوحه­ای باشد و چه نباشد و چه چاره­ای باشد یا نباشد که در تعارض بین حجت با لاحجت تعارض غیر مستقر است و اصلا تعارضی نیست.**

**روایت دوم : از دعائم الاسلام ،عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلاَمُ أَنَّهُ قَالَ: لاَ تُصَلِّ خَلْفَ نَاصِبٍ وَ لاَ كَرَامَةَ إِلاَّ أَنْ تَخَافُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تُشْهَرُوا وَ يُشَارَ إِلَيْكُمْ فَصَلُّوا فِي بُيُوتِكُمْ ثُمَّ صَلُّوا مَعَهُمْ وَ اِجْعَلُوا صَلاَتَكُمْ مَعَهُمْ تَطَوُّعاً.[[4]](#footnote-4) که پشت سر ناصبی و کرّامیه نماز نخوان مگر اینکه بر جان خودت بترسی که این ترسیدن دلالت بر مندوحه است که اگر مندوحه نبود نماز بخوان.**

**اما اشکالات به این روایت :**

**اولاً: روایات دعائم الاسلام مُرسله است و این کتاب مال قاضی محمد بن نعمان مصری است که منسوب به اسماعیلیه است. ثانیاً: اگر سند تام باشد اما مدعای ما که اقتدا به اهل سنت است را نمی رساند چون آن طرف ناصبی است. ثالثاً: روایاتی که اجازه نماز به علمای عامه می­دهد مخصص این گونه روایات می­شود واین روایات را باید حمل کرد که افضل، مراعات کردن است یا اصلا کنار گذاشته شود.**

**روایت سوم : از فقه الرضا علیه السلام است که : وَ لاَ تُصَلِّ خَلْفَ أَحَدٍ إِلاَّ خَلْفَ رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا مَنْ تَثِقُ بِهِ وَ تَدِينُ بِدِينِهِ وَ وَرَعِهِ وَ آخَرُ مَنْ تَتَّقِي سَيْفَهُ وَ سَوْطَهُ وَ شرَّهُ وَ بَوَائِقَهُ. پشت سر دو نفر نماز بخوانید کسی که از شمشیر و نیزه­های او و شرارت­های او و دشنام ایشان در امانید و اگر هم می­خواهید نماز بخوانید در حالت تقیه نماز بخوانید که تقیه آن مداراتی است.**

**مهمترین اشکال اینست که بر ما ثابت نشده که فقه الرضا، روایات امام رضا علیه السلام است ضمن اینکه دلالتی بر مدعی ندارد چون در این روایت اقتدا به دو نفر بیان شد بدون اینکه بحثی از مندوحه بشود و اینکه تقیه هم مداراتی است یعنی اگر کسی امکان بر عدم تقیه دارد اما می­خواهد حفظ وحدت کند اشکالی ندارد پس هیچ ضرورت و اضطراری نیست در حالی­که بحث ما در ضرورت و اضطرار است. اما عمده اشکال ما اینست که اصلا این روایات خاصه اشاره­ای به اقتدا ندارد و کلمه خلف آمده نه ائتمام و اینکه امام دستور می­دهد اذان و اقامه را خودت بگو معلوم می­شود که شما در صف عامه که رفتید مثل دیوار باشید که در روایت این تعبیر آمده که به منزله دیوار باشید یعنی از آنها تبعیت نکنید.[[5]](#footnote-5)**

1. **وسائل ج ۵ ص ۴۲۷ ح ۲** [↑](#footnote-ref-1)
2. **مصباح الفقیه کتاب الطهاره ص ۱۶۵** [↑](#footnote-ref-2)
3. **التنقیح ج ۴ص ۳۱۱** [↑](#footnote-ref-3)
4. **مستدرک الوسائل ج ۶ ص ۴۵۸** [↑](#footnote-ref-4)
5. **وسائل ج ۵ ص ۳۸۹** [↑](#footnote-ref-5)